



این شماره تقدیم می‌شود به
شهید
نادر مهدوی

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۳۷
یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۵

جبهه
انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال



سرمقاله

دکترین جدید تنگه هرمز و معمای امنیت عرضه

پایان هژمونی خریداران؛ تغییر آرایش قراردادهای نفتی و شکست دکترین مسیرهای جایگزین

افزون بر این، جریان نقدی حاصل از اخذ عوارض از سایر کشتی‌ها، یک درآمد ارزی مازاد و بدون هزینه تولید ایجاد کرده است که در اقتصاد به آن رانت حاکمیتی ژئواکونومیک می‌گویند. این ترکیب طلایی (فروش بیشتر با قیمت بالاتر + اخذ عوارض ترانزیت)، صندوقی عظیم برای جبران سریع هزینه‌های درگیری و بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده فراهم کرده است.

آتش‌بس دوهفته‌ای، فرصتی برای جهان بود تا با واقعیت‌های جدید حقوق انرژی کنار بیاید. ایران با استفاده از ابزار تنگه هرمز، تحریم‌های یک‌جانبه را از حیز انتفاع ساقط کرد. چرا که بازار تشنه، اکنون به جای تحریم، به دنبال تضمین امنیت عرضه به هر قیمتی است. پیروزی عمیق ایران در این است که توانست قواعد فیزیکی جغرافیا را به بندهای الزام‌آور در قراردادهای بین‌المللی نفت تبدیل کند؛ رویکردی که هزینه‌های تقابل را از جیب مصرف‌کنندگان جهانی تأمین کرده و اقتصاد داخلی را در مسیر بازسازی سریع قرار می‌دهد. ♦

لوله فجیره امارات) سرمایه‌گذاری کرده بودند، متوجه یک بن‌بست ریاضی و ظرفیتی شدند. از منظر اقتصاد سنجی انرژی، رابطه ظرفیت انتقال به شکل زیر خود را به بازار تحمیل کرد:

$$Q_{Hormuz} \gg (Q_{pipeline1} + Q_{pipeline2} + \dots + Q_{pipeline_n})$$

این نامعادله (Q نمایانگر دبی یا حجم انتقال روزانه) ثابت کرد که مجموع تمام خطوط لوله جایگزین، توان جبران حتی نیمی از نفت عبوری از هرمز را ندارد. این عدم تقارن، وابستگی ساختاری و مطلق جهان به اراده حاکمیتی ایران را از نظر حقوقی و تجاری تثبیت کرد.

با وضع عوارض عبور از سوی ایران در دوران پسادرگیری، ساختار سنتی قراردادهای فروش نفت (به ویژه قراردادهای FOB خلیج فارس) دستخوش یک تغییر بنیادین شده است. پیش از این، ریسک و هزینه انتقال پس از بارگیری بر روی عرشه کشتی به عهده خریدار بود، اما عبور رایگان از تنگه مفروض در نظر گرفته می‌شد. اکنون، بازار با پدیده بی‌کشتی مطلق تقاضا در کوتاه‌مدت روبروست (کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت، میل به صفر دارد). به زبان ساده، پالایشگاه‌های جهانی به دلیل نیاز حیاتی به نفت، هرگونه افزایش هزینه ناشی از پرداخت عوارض به ایران را در ساختار قراردادهای خود جذب کرده‌اند. این عوارض دیگر یک تنش سیاسی نیست، بلکه به عنوان یک بند تجاری پذیرفته شده در حقوق تجارت دریایی در حال نهادینه شدن است. از منظر اقتصاد کلان، جنگ‌ها همواره پدیده‌هایی هزینه‌زا هستند؛ اما مدل پیاده‌سازی شده توسط ایران، یک استثنای آکادمیک است. بسته شدن تنگه باعث یک جهش در قیمت جهانی نفت شد. هم‌زمان، به دلیل باز بودن مسیر برای صادرات خود ایران، درآمدهای ارزی کشور از محل فروش نفت (با قیمت‌های جدید و متورم جهانی) به شدت افزایش یافت.

♦ | در ادبیات حقوق تجارت بین‌الملل و اقتصاد انرژی، شوک‌های ژئوپلیتیک همواره به عنوان کاتالیزوری برای بازنویسی قواعد بازار عمل می‌کنند. با اعلام آتش‌بس دوهفته‌ای و بازگشایی مشروط تنگه هرمز، بازار جهانی نفت با واقعیتی روبرو شد که دهه‌ها سعی در انکار آن داشت: هیچ جایگزین حقوقی و فیزیکی برای شریان هرمز وجود ندارد. پیروزی استراتژیک ایران در این کارزار، نه صرفاً یک دستورالعمل میدانی، بلکه تحمیل یک نظم نوین قراردادی بر خریداران بین‌المللی انرژی است؛ نظمی که در آن، صادرکننده مسلط بر تنگه، تعیین‌کننده نهایی قواعد تحویل و قیمت‌گذاری است.

در طول دوران کوتاه انسداد تنگه، بند فورس‌ماژور در صدها قرارداد بین‌المللی فروش نفت فعال شد. کشورهای غربی و واردکنندگان آسیایی که سال‌ها بر روی دکترین مسیرهای دور زدن هرمز (مانند خطوط لوله شرق به غرب عربستان یا خط

تحلیل خبری

بازار جهانی انرژی زیر سایه هرمز؛ از مداخله دولت‌ها تا پیامدهای ژئواقتصادی

که حتی با آتش‌بس موقت، قیمت نفت در بازار لحظه‌ای به ۱۴۵ دلار رسیده و بازگشایی کامل هرمز تنها قادر است چند سنت از قیمت بنزین آمریکا بکاهد. پیش‌بینی ۱۰۰ میلیارد دلار فشار سالانه بر خانوارهای آمریکایی نشان می‌دهد بازگشت آرامش کامل تا زمانی که عبور انرژی از هرمز پایدار نباشد امکان‌پذیر نخواهد بود. در مجموع، مجموعه این نشانه‌ها تأیید می‌کند که هرمز همچنان نقطه کانونی اقتصاد انرژی جهان است؛ هر مختل‌سازی هرچند کوتاه و محدود می‌تواند موجی از مداخلات دولتی، کاهش عرضه، ناآرامی اجتماعی و فشار تورمی را در سه قاره ایجاد کند.

بسته شدن بزرگراه‌ها به دلیل اعتراضات سوختی نیز نشان می‌دهد شوک هرمز از سطح بازار انرژی عبور کرده و به ناآرامی اجتماعی تبدیل شده است. در آمریکا، فشار قیمتی خود را در حوزه‌ای کمتر دیده شده نشان می‌دهد: کودهای شیمیایی. حدود یک‌سوم تجارت جهانی کود از تنگه هرمز عبور می‌کند و افزایش بیش از ۵۰ درصدی قیمت در آمریکا اهمیت حیاتی این مسیر را آشکار کرده است. پیام اخیر ترامپ درباره رصد بازار کود به وضوح نشان می‌دهد که اختلال هرمز تنها بازار نفت را تهدید نمی‌کند بلکه امنیت غذایی را نیز در معرض فشار قرار داده است. هم‌زمان، وال‌استریت ژورنال گزارش می‌دهد

عرضه داخلی را تثبیت می‌کند. هند برای جلوگیری از شوک قیمتی داخلی ناچار به چنین مداخله‌ای شده؛ اقدامی که عملاً نقش «کنترل قیمتی شبه‌کمونیستی» دارد اما در بازارهای پریسک اجتناب‌ناپذیر می‌شود. این مداخله نشان می‌دهد کشورهای واردکننده و مصرف‌کننده بزرگ آسیایی تنها با ابزارهای مالیاتی قادر به مدیریت اثرات بحران هرمز بر قیمت فرآورده‌ها هستند. در اروپا، تنش‌های ناشی از افزایش هزینه واردات انرژی وارد مرحله عملیاتی شده است. تعطیلی یک‌سوم پمپ‌بنزین‌های ایرلند و اسکورت پلیسی تانکرهای حامل سوخت بیانگر شکنندگی زنجیره تأمین در کشورهای کاملاً وابسته به واردات است.

تحولات هم‌زمان در هند، اروپا و آمریکا تصویری واحد از حساسیت شدید بازار جهانی انرژی نسبت به اختلالات تنگه هرمز ترسیم می‌کند؛ اختلالی که پس از جنگ اخیر جریان نفت و فرآورده و حتی کودهای شیمیایی را در سطح بی‌سابقه‌ای متأثر کرده است. اقدام اخیر هند در دو برابر کردن عوارض صادرات گازوئیل—افزایش از ۲۱.۵ به ۵۵.۵ روپیه به ازای هر لیتر—یک نمونه کلاسیک از سیاست‌های مدیریت عرضه داخلی در شرایط جهش قیمت‌های جهانی است. با بالا رفتن اسپرد صادراتی، پالایشگاه‌ها به‌طور طبیعی تمایل به فروش خارجی پیدا می‌کنند. افزایش عوارض، این انگیزه را خنثی و

مذاکرات و بازار انرژی

فضای پریسک است. نتیجه آن، حفظ نرخ‌های بالای بیمه، افزایش هزینه‌های عملیاتی کشتی‌ها و برنامه‌ریزی محتاطانه ترمالکان نفتکش‌هاست؛ عواملی که انعطاف‌پذیری در زمان بندی بارگیری و تخلیه محموله‌ها را کاهش می‌دهد. در صورتی که توافقی مشخص درباره نحوه اعمال کنترل و مدیریت عبور از تنگه هرمز حاصل شود، بازار به سرعت وارد فاز آرامش می‌شود. با کاهش ریسک عملیاتی مسیر، نرخ‌های بیمه و هزینه‌های حمل‌ونقل افت می‌کند، نوسان قیمت نفت کاهش می‌یابد و ساختار هزینه‌ها عملاً به پرداخت عوارض عبور محدود می‌شود.

این شرایط به‌صورت زنجیره‌ای بر هزینه نهایی تولید فرآورده‌ها، حاشیه سود فروش داخلی و صادراتی، و مسیرهای اقتصادی انتقال محموله‌ها میان مناطق مختلف اثر می‌گذارد. تا زمانی که چارچوب نهایی درباره عبور از تنگه هرمز مشخص نشود، بازار جهانی نفت در وضعیتی قرار دارد که نوسان بالا ویژگی ثابت آن است. در چنین فضایی، کوچک‌ترین تغییر در روند گفت‌وگوها می‌تواند به محرک فوری برای تغییر قیمت‌های نقدی، جهت‌گیری معامله‌گران و شکل منحنی تحویل‌های آینده تبدیل شود.

در روز نخست گفت‌وگوها، مجموعه‌ای از مواضع و پیام‌ها منتشر شد که مستقیماً بر فضای عملیاتی تنگه هرمز و در نتیجه بر بازار انرژی جهان اثر گذاشت. زیاده‌خواهی طرف آمریکایی مانع دستیابی به چارچوب مشترک شده است. تأکید بر اینکه تا زمان دستیابی به یک چارچوب مشترک، وضعیت فعلی هرمز هیچ تغییری نخواهد کرد، به معنای تداوم حاکمیت و کنترل ایران است که طی هفته‌های گذشته بر تردد کشتی‌ها حاکم بوده است. این تصمیم، ظرفیت واقعی انتقال نفت و فرآورده از هرمز را در سطحی پایین‌تر از دوره‌های عادی نگه می‌دارد و ریسک عرضه از خلیج فارس را در محدوده‌ای بی‌سابقه تثبیت می‌کند.

هم‌زمان، جهت‌گیری‌هایی مطرح شد که نشان می‌دهد، تهران اکنون نه تنها به دنبال رفع تهدیدهای ترامپ است، بلکه می‌خواهد نقشه‌ای جدید از کنترل منطقه‌ای ترسیم کند. ایران با طرح مطالباتی مانند رفع تحریم‌ها، خروج نیروهای آمریکا و تنظیم قواعد جدید برای عبور در تنگه هرمز، به دنبال شکل دهی به ترتیبات امنیتی جدید در منطقه است. ترتیباتی که می‌تواند نظم فعلی مسیرهای انرژی در منطقه را دگرگون کند. چنین چشم‌اندازی برای شرکت‌های بیمه و ناوگان حمل‌ونقل، نشانه تداوم

گفت‌وگوهای روز اول و قفل لجستیکی هرمز

